

A Study of the Rule of Beneficence in Extinction of Civil and Criminal Liability in Law and Islamic Jurisprudence with an Approach Based on Imam Khomeini's Views

Yasaman saeidi¹

Abstract

Research Paper

The rule of beneficence, as one of the elements for extinction of liability, is practiced both in Imamiyah jurisprudence and civil law. By virtue of this rule, when a person imposes harm to life or property of another person with an intention of doing good, in case of taking required precautions and observing legal regulations by the doer, he shall not be a guarantor and must be exempted from liability. This work, developed through a descriptive-analytical method, intends to identify fundamentals and links of this rule with other jurisprudential and legal principles. Findings of the paper indicate that benefaction both encompasses the concept of prevention of harm or loss and gaining legal profits. Therefore, in terms of charitable work, it may be practiced vis-à-vis general public, certain persons, and even the doer himself. As in terms of the effect of the rule of beneficence on removing obligations resulting from civil liability, it can be clearly expressed that the benefactor is not obliged to indemnify damages. Besides, given the existence of the rule of beneficence, he must be exonerated from criminal liability.

Keywords: damage, rule of beneficence, Imam Khomeini, civil liability, criminal liability

1. PhD (Jurisprudence and Principles of Islamic Law), Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran, E-mail: Ya3mansaeidi@yahoo.com

بررسی قاعده احسان در سقوط مسئولیت مدنی و کیفری در فقه و حقوق با رویکردی بر اندیشه امام خمینی (س)^(۵)

یاسمن سعیدی^۱

مقاله پژوهشی

چکیده: احسان به عنوان یکی از مسقطات ضمان در فقه امامیه و حقوق ایران به شمار می رود، به موجب این قاعده هرگاه شخصی به قصد نیکی به دیگران عملی انجام دهد که موجب خسارت یا صدمه به وی گردد، در صورت رعایت کردن احتیاطات لازم و مقررات قانونی اقدام کننده یا فاعل، ضامن نبوده و معاف از مسئولیت است. در واقع هدف از پژوهش حاضر که به صورت توصیفی-تحلیلی به نگارش درآمده شناخت مبانی و ارتباط این قاعده با دیگر قواعد فقهی و حقوقی بوده و یافته‌ها حاکی از آن است که احسان هم در بردارنده مفهوم دفع ضرر است و هم جلب منفعت. پس از حیث قلمرو و عمل نیکوکارانه ممکن است نسبت به عموم مردم، اشخاص خاص و حتی خود فاعل انجام شود و پیرامون تأثیر قاعده احسان در رفع ضمان ناشی از مسئولیت مدنی به صراحت می توان بیان داشت که فرد محسن نه تنها ملزم به جبران خسارت نیست بلکه از مسئولیت کیفری نیز با توجه به قاعده احسان تبرئه می شود.

کلیدواژه‌ها: خسارت، قاعده احسان، امام خمینی، مسئولیت مدنی، مسئولیت کیفری.

۱. دانش‌آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
E-mail: Ya3mansaeidi@yahoo.com.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۱۵

پژوهشنامه تین / سال بیست و چهار / شماره نود و پنج / تابستان ۱۴۰۱ / صص ۸۱-۹۹

مقدمه

بدون شک رفتارهای انسان اعم از فعل یا ترک فعل در شرایط گوناگون از جانب عرف و قانون کنش‌های مختلفی دارد، به طوری که بسته به شرایط زمانی و مکانی برخورد مستقیم با جان، مال و آبروی افراد دارد و می‌تواند مصداق خوبی یا بدی تلقی گردد. از جمله رفتارهایی که در فقه برای آن پاداش مقرر گردیده و قوانین هم مرتکب را در سایه حمایت قانونی خود قرار می‌دهد عمل خیرخواهانه‌ای است که در قالب قاعده احسان بیان می‌شود؛ اما سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که آیا قاعده احسان مثبت ضمان است یا مسقط ضمان؟

فرضیه را با تکیه بر نظر امام خمینی و مستندات فقهی و قانونی می‌توان این گونه مطرح کرد که قانون‌گذار در ماده ۵۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دست به تغییرات و نوآوری‌هایی زده است که در قوانین سابق به چشم نمی‌خورد، برای مثال در تحقق قاعده احسان، شخص محسن باید عمل نیکوکارانه خود را با رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی انجام دهد نه بی‌محابا. پس در تطبیق مصادیق عمل نیکوکارانه و خیرخواهانه، مقامات قضایی باید نهایت سعی و دقت خود را به منظور جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی به کار بگیرند و نباید قبل از اتمام تحقیقات کافی، به صرف ادعاهای افراد مدعی احسان تحت تأثیر بعضی از آن‌ها قرار گیرند؛ زیرا وجود قواعدی مانند احسان در کنار مزایای فراوان و اینکه به اعمال واقعاً خیرخواهانه که به طور اتفاقی منجر به ضرر مالی و جانی شده جنبه قانونی می‌دهد و از آن‌ها حمایت می‌کند، در این صورت می‌تواند مجرای باشد برای سوءاستفاده بعضی از افرادی که در پی قانونی جلوه دادن اعمال پلید خود هستند.

پیشینه پژوهش

ضرورت تبع قاعده احسان بر کسی پوشیده نیست، در این راستا پژوهشگران بسیاری نقش این قاعده را در حوزه‌های مختلف مورد تحقیق قرار داده‌اند از جمله آن‌ها می‌توان به مقاله «احسان به جمع (احسان جمعی) و نقش آن در مسئولیت مدنی» از حکمت نیا ۱۳۹۴ یا مقاله «تحلیل مسئولیت پزشک در قبال خسارات غیر عمدی در پرتو قاعده احسان» از سعدی ۱۳۹۰ و «مسئولیت کیفری و مدنی پزشک» از موسوی بجنوردی ۱۳۷۲ اشاره کرد؛

اما جنبه نوآوری مقاله حاضر با سایر آثار در این است که هیچ یک از مقالات به صورت جامع بر سقوط مسئولیت مدنی و کیفری قاعده احسان در حوزه های مختلف نپرداخته اند. در این پژوهش نخست مفاهیم قاعده و مستندات فقهی آن مورد بررسی قرار گرفته سپس به ارتباط قاعده احسان با قاعده اتلاف، اضطرار، دفاع مشروع، تسبیب، لقطه، مجهول المالک، اداره مال غیر و مسئولیت پزشک می پردازیم.

۱. مفاهیم قاعده احسان

۱-۱. معنای لغوی احسان

احسان در لغت مصدر ثلاثی مزید باب افعال از ریشه «حسن» به معنای زیبایی، جمال، نیکویی، رونق، خوبی و خوشی است (معین ۱۳۸۶ ج ۱: ۱۴۹). این ماده با مشتقاتش ۱۹۴ بار در قرآن کریم آمده است و در فرهنگ این کتاب آسمانی معنی گسترده ای دارد. دهخدا معانی خوبی، نیکی، بخشش، انعام، افضال را برای احسان و نیکوکاری ذکر می کند (دهخدا ۱۳۷۳ ج ۱: ۹۲۶). راغب در مفردات ذیل واژه «حسن» می نویسد: حسن عبارت است از هر چیزی که بهجت آورد و انسان به سوی آن رغبت کند و این سه قسم دارد:

— چیزی مستحسن از جهت عقل باشد؛ یعنی عقل آن را نیکو بداند.

— از نظر هوای نفس نیکو باشد.

— از نظر حسی زیبا و نیکو باشد.

در این صورت قول راغب جامع هردو معنای زیبایی است (راغب اصفهانی ۱۳۹۹: ۱۱۸). بنابراین در یک جمع بندی می توان گفت «احسان» انجام دادن کار نیک است و این کار نیک یا نسبت به خود انسان صورت می گیرد یا نسبت به دیگران (صالحیان ۱۳۸۸: ۶۵).

۱-۲. معنای اصطلاحی احسان

در اصطلاح، دست انداختن و یا تصرف کردن در مال دیگری است بدون اذن، لیکن برای دفع مضرت و یا به طور کلی به قصد نیکی بر مالک، مانند برداشتن لقطه و یا گرفتن مال از دست سارق یا غاصب برای رساندن آن به مالک و مانند تصرف در مال دیگری برای حفظ آن از غرق و آتش سوزی و همچنین تصرف حاکم و یا مطلق اولیا در اموال غایبان و

محبوران به نفع آنان شناخته می‌شود در این گونه موارد اگر مال بدون تعدی یا تفریط تلف شود، متصرف ضامن آن نخواهد بود (گرجی ۱۳۸۷: ۲۳۳)؛ بنابراین، احسان مانع از ایجاد ضمان است (کاتوزیان ۱۳۸۱ ج ۱: ۱۶۲). امام خمینی که خود اسوه ایمان به خداوند و خدمت به خلق بود در بیان مقام احسان می‌گوید: از خدمت به خلق غفلت نکنیم؛ زیرا خدمت به مردم خدمت به حق است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۰: ۱۵۷). «اینی که اساس است این است که ما حسابمان را با خدا درست کنیم نه با مردم و از هیچ کس هم توقع نداشته باشیم. مایی که برای خدا می‌خواهیم يك کاری بکنیم توقع نداشته باشیم» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۲۸۴).

۲. مستندات فقهی قاعده احسان

همان‌طور که مسلم و مشهور است، منابع استنباط در فقه شیعه را کتاب، سنت، اجماع و عقل تشکیل می‌دهد. در واقع مجتهد و یا فقیه در محدوده منابع اربعه به استخراج احکام شرعی و نیز در مقام پاسخ‌دهی به مسائل مستحدثه برمی‌آید و مشروعیت و میزان اعتبار هر کدام از آراء و نظرات فقها و مجتهدین، با میزان تأیید و یا عدم تأیید حکم مستخرج از منابع چهارگانه، ارتباط مستقیم و تنگاتنگ دارد (فیض ۱۳۷۸: ۲۰۹)؛ لذا برای تبیین هرچه بیشتر قاعده احسان و نیز دسترسی به نحوه استخراج این قاعده درصدد آن هستیم که قاعده فوق را در قالب منابع چهارگانه ارزیابی کنیم.

۲-۱. کتاب (قرآن)

دلالت قرآن بر مشروعیت این قاعده مورد توافق کسانی است که این قاعده را مورد بحث قرار داده‌اند تا جایی که برخی از عالمان امامی و حتی اهل سنت، اصل بنیان این قاعده را از قرآن دانسته‌اند (صابونی ۱۳۹۸ ج ۳: ۴۰۸). پس مبنای این قاعده را می‌توان آیات شریفه «ما علی المحسنین من سییل» و «هل جزا الاحسان الا الاحسان» دانست که به توضیح آن می‌پردازیم.

۲-۱-۱. آیه نود و یکم سوره توبه

«لَيْسَ عَلَى الضُّعْفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَىٰ وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا

لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ». «بر ناتوانان و بر بیماران و بر کسانی که چیزی نمی‌یابند [تا در راه جهاد] خرج کنند - در صورتی که برای خدا و پیامبرش خیرخواهی نمایند - هیچ گناهی نیست، [و نیز] بر نیکوکاران ایرادی نیست و خدا آمرزنده مهربان است».

به بیان تفصیلی‌تر، مقصود از ضعفاً به دلیل سیاق آیه کسانی هستند که نیرو و توانایی جهاد ندارند یا طبعاً ناتوانند، مانند اشخاص فلج و زمین‌گیر و یا به خاطر عارضه موقتی مانند کسالت و مرض؛ و مراد از «الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ» کسانی هستند که نیروی مالی و یا اسلحه و امثال آن را ندارند (حسینی مراغی ۱۴۲۵ ج ۲: ۴۷۴).

۲-۱-۲. آیه ششم سوره الرحمن

حق تعالی می‌فرماید: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» آیا پاداش نیکی کردن جز نیکی و احسان است؟

برخی از فقها و مفسرین آیه فوق را از مستندات فقهی قاعده احسان برشمرده‌اند (موسوی بجنوردی الف ۱۳۸۷ ج ۱: ۱۳۷).

۲-۲. سنت

برای حجیت قاعده احسان در سنت می‌توان مواردی را بیان کرد که به توضیح این مهم می‌پردازیم، روایت عبدالله بن یحیی الکاهلی است که امکان دارد صحیحه یا حسنه باشد، ظاهر روایت این است که سؤال شده آیا جایز است در خانه یتیم داخل شده و در اموالش تصرف کرد؟ که جواب داده شد: «مجاز دخیل و تصرف این است که برای آن‌ها منفعتی داشته باشد» (حرعاملی ۱۳۸۶ ج ۱۶: ۲۰۳). پس مطلقاً جایز نیست که در مال یتیم تصرف نماید بلکه زمانی که عرف تشخیص دهد که ورود و داخل شدن فلانی به نفع یتیم است، در این صورت دخول و تصرف از نظر شرع مقدس جایز است از این رو که او محسن است و در نامه حضرت امیرالمؤمنین (ع) به مالک اشتر چنین آمده است: «نباید دو شخص نزد تو یکسان باشند یکی نیکوکار و دیگری بدکار؛ زیرا در این صورت به نیکوکار به خاطر عمل محسنانه‌اش سختگیری شده و بر بدکار نسبت به فعل سوء او آسان گرفته شده است» (دشتی

۱۳۸۷: ۴۰۶). درحالی که «پاداش احسان را به بدی دادن، مصداق نادیده گرفتن نعمت است» پس نادیده گرفتن فعل محسن اسائه محسوب می شود و در این صورت فرد محسن دیگر به انجام فعل نیک رغبت نمی کند (محقق داماد ۱۳۸۷ ج ۲: ۲۹۸).

۳-۲. اجماع

هرچند اجماع چندان مورد قبول فقهای امامیه نیست؛ اما آنچه در کتب فقهی دیده می شود این است که فقها محسنین را به هیچ وجه ضامن عمل ارتكابی نمی دانند، یعنی در مورد خاص و پراکنده مشخص شده است که فقها به عدم ضمان شخص محسن فتوا داده اند برای مثال، هنگامی که مالی نزد دیگری به ودیعه بوده است و او آن را در مکانی جای داده است تا بیشتر محفوظ بماند و از دست سارقان در امان باشد فقها گفته اند که جای دادن مال در آن مکان هرچند به اذن صاحب مال نبوده؛ اما اگر موجب تلف شود، شخص ودعی ضامن نیست؛ زیرا او در این اقدام محسن بوده و قصد خدمت داشته و به منظور حفظ مال اقدام به جابه جایی مال کرده است (موسوی بجنوردی الف ۱۳۸۷ ج ۱: ۱۴۲). جالب این است که برخی فرموده اند حتی اگر مالک به شخص ودعی تصریحاً گفته باشد که مال را از آنجا منتقل نکند، چنانچه شخص ودعی به منظور حفظ مال آن را جابه جا کند، در صورت تلف بازهم ضامن نیست (نجفی ۱۳۷۵ ج ۲: ۱۰۳).

۴-۲. بنای عقلا

مهم ترین دلیل استنادی حکم عقل است که محسن ضامن نخواهد بود. به دلیل ملاک شکر منعم این معنی از بدیهات عقل است که به منعم نباید اسائه کرد. آیه شریفه «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» اشاره به همین حکم عقلی دارد، هر عقل سلیمی می گوید که نباید به محسن اسائه کرد و مسلم است که محسن منعم خواهد بود؛ یعنی بر گردن دیگری حق پیدا می کند. پس باید در مقابل احسان به او احسان کرد و اگر او را ضامن کنیم این اسائه به محسن است و ما این را از ادله توحید و پرستش باری تعالی می دانیم (موسوی بجنوردی الف ۱۳۸۷ ج ۱: ۳۷).

آنچه می توان به عنوان نتیجه این مستندات تا به اینجا مطرح کرد این است که قاعده احسان مسقط ضمان است؛ لذا اگر در اثر عملش به محسن الیه (من أحسن الیه) ضرر برسد

نه تنها ضامن نیست بلکه بر اساس شیوه و بنای خردمندان درخور هرگونه مدح و ستایش است، چه رسد به شخصی که عمل مضر محسنانه او باعث جلب منفعت و یا دفع ضرر در مورد شخص دیگر شود؛ اولاً احسان به عنوان یک صفت عالی نفسانی که نقش هدایت‌گری را در حیات آدمی ایفا می‌کند فی نفسه سازنده اندیشه پاک آسمانی است و با ایجاد انگیزه و هدف والا و ارزش‌ها او را به سوی پاکی‌ها سوق داده و از زندگی او آثار و برکات فراوان معنوی به جای می‌گذارد و عمل را خالص و پاکیزه می‌گرداند. ثانیاً به دلیل اینکه ایمان به مؤمن جهت می‌دهد در ازای کار و خدمتی که انجام می‌دهد توقع مزد و پاداشی از غیر خداوند ندارد؛ به جز آنچه در قبال انجام وظیفه، به عنوان لازمه معیشت و زندگی خود اخذ می‌کند. این باور موجب می‌شود بی‌مهری و احیاناً ناملاایمات و قدرناشناسی‌هایی که از ناحیه مخدومین صورت می‌گیرد در روند حرکت نفاع و سازنده انسان مؤثر نباشد و هیچ‌گاه تحت تأثیر این عوامل از عمل ارزشی خویش دست برندارد.

۳. کاربرد قاعده احسان با دیگر قواعد فقهی و حقوقی

۳-۱. ارتباط قاعده احسان با قاعده اتلاف

برای تبیین هرچه بیشتر تأثیر قاعده احسان بر قاعده اتلاف، به تحلیلی کوتاه در مورد قاعده اتلاف می‌پردازیم: هرگاه شخصی به‌طور جزئی یا کلی مال دیگری یا منافع مربوط به آن را، بدون مجوز قانونی یا اذن مالک به نحوی که آثار و منافع خود را از دست بدهد تلف نماید در برابر صاحب آن مسئول است. خواه تلف از روی عمد یا بدون عمد، عالمانه باشد یا ناآگاهانه (داراب پور ۱۳۸۷: ۲۷۴). بدون شک اتلاف مال دیگری بدون اجازه صاحب آن از مصادیق تجاوز و تعدی بر دیگری محسوب می‌شود. مقنن در ماده ۳۲۸ قانون مدنی چنین اشعار می‌دارد: «هرکس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقض قیمت آن مال است».

پیش‌تر به تفصیل بیان کردیم که قاعده احسان، مردم را از هرگونه مؤاخذة نیکوکاران منع می‌کند، یعنی نه تنها نیکوکاران مسئولیت مدنی ندارند بلکه فاقد مسئولیت اخلاقی و کیفری نیز می‌باشند. عدم ضمان و نداشتن هرگونه مسئولیت به علت و اعتبار «احسان» است.

عموم نیکوکاران مشمول این قاعده هستند پس اگر قائل به اطلاق احسان باشیم و از طرفی اطلاق قاعده اتلاف را بپذیریم در این صورت این دو قاعده باهم تعارض پیدا می‌کنند، ممکن است فرد نیکوکار موجب اتلاف مالی شود از یک طرف طبق قاعده احسان متلف مسئول نیست و از طرف دیگر بر اساس قاعده اتلاف، نیکوکار مسئول است. در این حالت به نظر نمی‌رسد یکی از این قواعد بر دیگری ترجیح داشته باشد، پس هر دو قاعده ساقط می‌شود (و اذا تعارضا تساقطا) (ولایی ۱۳۸۷: ۱۴۵)؛ اما اگر چنین فرض شود که عمل محسن در واقع امر اتلاف نیست بلکه مقدمه احسان است در این حالت امکان ترجیح و اولویت این قاعده وجود دارد و قاعده اتلاف با قاعده احسان تخصیص می‌خورد اما در صحت این فرض تردید جدی وجود دارد و برای اولویت قاعده احسان بر اتلاف باید به دنبال فرض یا دلیل دیگری بود (صالحیان ۱۳۸۸: ۱۲۲).

قاعده احسان یک قاعده عام عقلی است که شارع نیز دستور می‌دهد «أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ» (قصص: ۷۷) و نیز در جای دیگر به صورت استفهامی تأکید می‌کند که «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» (الرحمن: ۶۰)؛ بنابراین هنگامی که شارع مقدس دستور می‌فرماید: «وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ» (مؤمنون: ۵۱) نباید مأمور واجد صلاحیتی را که از شارع اطاعت نموده و در انجام این مأموریت ضرری وارد گردد مسئول شناخت. پس افراد محسن و خیر، برایشان لزومی به جبران خسارت وجود ندارند؛ زیرا آنان همان طور که خداوند می‌فرماید: «أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (لقمان: ۵) از حمایت حق تعالی برخوردارند و رستگاری با مسئولیت متعارض است. پس نیکوکاران فاقد مسئولیت مدنی خواهند بود حتی در مورد اتلاف مال یا اموالی که لازمه انجام احسان است.

۲-۳. ارتباط قاعده احسان با اضطرار

اضطرار حالتی است که انسان بدون تهدید و اجبار خارجی اکراه و به‌رغم میل باطنی خود از روی قصد و رضایت مجبور به انجام عملی می‌شود (شریعی ۱۳۸۷: ۱۶۸) ماده ۱۵۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مقام بیان شرایط اضطرار چنین مقرر می‌دارد: «هر کس هنگام بروز خطر شدید فعلی یا قریب الوقوع از قبیل آتش‌سوزی، سیل، طوفان، زلزله یا بیماری به منظور حفظ نفس یا مال خود یا دیگری مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم

محسوب می‌شود قابل مجازات نیست مشروط بر اینکه خطر را عمداً ایجاد نکند و رفتار ارتكابی با خطر موجود متناسب و برای دفع آن ضرورت داشته باشد...» پس برای تبیین اضطرار چند حالت متصور است:

- اضرار به غیر برای دفع ضرر از خود، در این صورت شخص ضرر زننده باید به میزان انتفاع از اقدام خود، مسئول جبران خسارت فردی که بدون جهت به او ضرر رسیده باشد (کاتوزیان ۱۳۸۱ ج ۱: ۳۲۷).

- اضرار به غیر برای دفع ضرر از او، در واقع زمانی صورت می‌گیرد که محسن سعی در رفع ضرر بزرگ‌تر از فرد داشته اما فعلش به او ضرر کمتری وارد کرده که در این حالت محسن ضامن نخواهد بود (موسوی بجنوردی الف ۱۳۸۷ ج ۱: ۱۷۲).

- اضرار به غیر برای دفع ضرر دیگری، به این معناست که اقدام کننده هیچ نفعی نبرده بلکه برای مصلحت غیر، دفع ضرر از او باعث تلف اموال دیگری شده است. البته ممکن است در مواردی انگیزه فاعل در اقدام زیانبار، دفع ضرر عمومی باشد (گلدوزیان ۱۳۷۶ ج ۱: ۴۵).

۳-۳. ارتباط قاعده احسان با دفاع مشروع

در متون فقهی (چه شیعه و چه اهل تسنن) فقهای اسلامی، تعریفی از دفاع مشروع به‌طور روشن ارائه نکرده‌اند، اما ضوابط و شرایط آن را به نحوی دقیق‌تر بیان نموده‌اند که ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی چنین اشعار می‌دارد: هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز با خطر فعلی یا قریب‌الوقوع با رعایت مراحل دفاع مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود:

الف) رفتار ارتكابی برای دفاع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد.

ب) دفاع مستند به قرائن معقول یا خوف عقلایی باشد.

پ) خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد.

ت) توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع

تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود. پس در اینجا مدافع در صورت وجود شرایط فوق محسن بوده و هدفی جز دفع ضرر که یکی از مصادیق احسان است نداشته و در این صورت ضمانی بر عهده او نخواهد بود.

۳-۴. ارتباط قاعده احسان با تسبیب

«تسبیب» ایجاد چیزی است که تلف به سبب آن حاصل می‌گردد؛ یعنی خودش علت مستقیم حادثه نیست بلکه علت یا زمینه‌ساز علت است (اصفهانی ۱۴۰۵ ج ۲: ۴۸۳). در تسبیب شخص به‌طور مستقیم مباشر تلف کردن مال نیست بلکه مقدمه تلف آن را فراهم می‌کند؛ یعنی کاری انجام می‌دهد که در نتیجه آن کار با علت دیگر تلف واقع می‌شود مانند کسی که چاهی را در معبر عمومی می‌کند و دیگری بر اثر بی احتیاطی درون آن می‌افتد و... در اینجا مسبب به‌طور مستقیم مال را تلف نکرده و به دیگران زیانی وارد نساخته؛ ولی عرف ورود ضرر را به او نسبت می‌دهد و از این جهت مسئولیت دارد. در مورد تأثیر قاعده احسان در رفع ضمان ناشی از تسبیب، با توجه به اینکه فقها به‌صورت مصداقی متعرض آن نشده‌اند؛ اما در صورت محرز بودن قصد احسان و مصلحت عموم می‌توان حکم به عدم ضمان او داد که عام بودن روایات در این مورد تخصیص می‌خورد (کاتوزیان ۱۳۸۷: ۲۶۸).

۳-۵. رابطه احسان با لقطه و مجهول‌المالک

ماده ۱۶۲ قانون مدنی در مورد لقطه و اشیای پیدا شده چنین مقرر می‌دارد: «هر کس مالی پیدا کند که قیمت آن کمتر از یک درهم که وزن آن ۱۲/۶ نخود نقره باشد می‌تواند آن را تملک کند»؛ و در ماده ۱۶۳ قانون مذکور بیان می‌کند که: «اگر قیمت مال پیدا شده یک درهم که وزن آن ۱۲/۶ نخود نقره است یا بیشتر باشد، پیدا کننده باید یک سال تعریف کند و اگر در مدت مزبور صاحب مال پیدا نشد، مشارالیه مختار است که آن را به‌طور امانت نگاه دارد و یا تصرف دیگری در آن بکند... اگر بدون تقصیر او تلف شود ضامن نخواهد بود». در بحث مربوط به مجهول‌المالک در باب لقطه که مالی پیدا می‌کند گفته‌اند که جوینده و متصرف یک سال باید تعریف و اعلام کند تا مالک آن پیدا شود؛ ولی اگر نتوانست او را پیدا کند باید آن را در نزد خود نگه دارد تا صاحبش پیدا شود؛

اما اگر بدون تعدی و یا تفریطی مال تلف شود نگه‌دارنده آن ضامن نبوده؛ زیرا محسن است و می‌تواند پس از گذشت یک سال مال یادشده را از طرف مالک تصدق بدهد و در صورتی که صاحب‌مال بعداً پیدا شد یا بنده در برابر او ضامن خواهد بود که با قاعده مورد بحث ما تعارض ندارد.

۶-۳. ارتباط قاعده احسان با اداره مال غیر

مهم‌ترین مصداقی که مباحث مربوط به ضمان قاعده احسان بر محور آن مطرح شده تأسیس اداره مال غیر است، به تعبیر دیگر از آنجایی که قانون‌گذار در اداره مال غیر برای مدیری که مال دیگری را اداره می‌کند حقوقی قائل شده و مدیر به یک اعتبار از اقدام خویش نیز استفاده می‌برد و از طرف دیگر اقدام او در مدیریت و استفاده از مال دیگری به‌طور مشروع بوده این موضوع، چنانچه استفاده و بهره‌برداری از مال یا عمل دیگری با تراضی و اذن صاحب‌مال باشد، تحت عنوان استیفای مشروع قرار می‌گیرد.

هیچ کس از نظر قانونی ملزم نیست برای جلوگیری از ضرر دیگران و حتی رساندن منفعت به آن‌ها اموالشان را اداره کند. اگر مال دیگری در معرض تلف باشد، قاعده حقوقی ای که مردم را مجبور کند از ورود ضرر به دیگران جلوگیری نمایند، وجود ندارد ولی مردم با وجدان دینی خود معمولاً راضی به ورود ضرر به دیگران نمی‌شوند. گاهی پیش آمده که انسانی برای نجات مال یا اموال دیگری، جان خویش را در معرض تهدید جدی قرار داده است. به‌هر حال به‌موجب ماده ۳۰۶ قانون مدنی: «اگر کسی اموال غایب یا محجور و امثال آن‌ها را بدون اجازه مالک یا کسی که حق اجازه دارد، اداره کند باید حساب زمان تصدی خود را بدهد. در صورتی که تحصیل اجازه در موقع مقدور بوده یا تأخیر در دخالت موجب ضرر نبوده است حق مطالبه مخارج نخواهد داشت ولی اگر عدم دخالت یا تأخیر در دخالت موجب ضرر صاحب‌مال باشد دخالت‌کننده مستحق اخذ مخارجی خواهد بود که برای اداره کردن لازم بوده است». بعضی از حقوق‌دانان این ماده را از مصادیق قاعده احسان دانسته‌اند. به این بیان که برای اجرای قواعد حاکم بر اداره فضولی مال غیر کافی نیست که شخص بدون داشتن نمایندگی به اداره مال غیر بپردازد. آنچه این اداره فضولی را مشروع می‌سازد قصد احسان یا به تعبیر روشن‌تر قصد اداره به نفع مالک است و همین عامل روانی

آن را از استیلا نامشروع خارج می‌کند و در زمره اعمال مباح و محترم درمی‌آورد (کاتوزیان ۱۳۸۷: ۳۰۸)، یعنی جزای چنین احسانی را جز به احسان نمی‌توان داد و گرنه هیچ کس حق دخالت در امور دیگری را ندارد (اصل عدم ولایت بر دیگران) هرچند برای آنان مهم باشد. در کتب حقوقی اداره مال غیر را تحت عنوان «اداره فضولی مال غیر» آورده‌اند (طاهری ۱۳۸۰ ج ۲: ۳۳۴). پذیرش چنین عنوانی با وجود اجازه قانونی برای اداره اموال دیگران بدون اشکال نیست چراکه در صورت وجود اجازه شارع مقدس یا مالک، اطلاق عنوان فضولی برای چنین شخصی صحیح و منطقی به نظر نمی‌رسد.

۴. جایگاه احسان در مسئولیت پزشک

یکی از کاربردهای قاعده احسان مسئولیت کیفری یا مدنی پزشک است بدین معنا که اگر پزشک حذاقت علمی و مهارت عملی خود را به کار ببندد و احتیاط‌های لازم را مراعات کند و مرتکب تقصیر و بی‌مبالاتی هم نشود، اما معالجات پزشکی مفید واقع نشده و باعث وارد کردن خسارات جسمی و مالی به بیمار و حتی فوت او گردد. در چنین مواردی مشهور فقهای امامیه با استناد به قواعدی نظیر اتلاف و لاضرر و... حکم به ضمان مطلق پزشک داده‌اند؛ اما برخی از فقها با این استدلال که پزشک از مصادیق فرد محسن محسوب می‌شود قائل به عدم ضمان او هستند (امی ۱۳۹۵: ۶۷)، اما اگر پزشک مرتکب تقصیر گردیده باشد نوعاً نمی‌توان فعل او را احسانی دانست و با استناد به قاعده او را معاف کرد. به بیان دیگر چنانچه با حسن نیت و به قصد علاج بیمار آنچه را که می‌داند و در عمل آموخته به خدمت گرفته و به درمان بیمار پردازد ولیکن در جریان معالجه اتفاقاً بیمار تلف یا ناقص گردد بر مبنای قاعده احسان مسئول نبوده و از تعقیب و مجازات معاف خواهد بود. مسئول شناختن چنین پزشکی که بنا بر وظیفه شرعی و وجدان و شرافت خویش و برای نجات مریض مبادرت به عملیات پزشکی می‌نماید و تمام سعی و تلاش و مهارت خود را مطابق با اصول علمی و عملی حاکم بر حرفه پزشکی و با رعایت نظامات شرعی انجام داده و مرتکب هیچ‌گونه بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی نشده باشد و تنها به لحاظ طبیعت بیماری یا نقص علوم پزشکی موفق به معالجه وی نگردیده است (منتظری ۱۳۸۵: ۱۷۲). درواقع به انسداد باب طبابت و امتناع پزشکان از درمان منجر می‌گردد که این امر به نوبه خود سلامت افراد را

به گونه‌ای جدی در معرض تهدید قرار می‌دهد و سبب افتادن مردم در حرج خواهد شد (آموزگار ۱۳۸۵: ۸۳).

۴-۱. مسئولیت کیفری پزشک

در این خصوص مقنن قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ عنصر مادی تخلفات پزشکی را به صورت فعل و یا ترک فعل پیش‌بینی کرده است که در خصوص فعل ماده ۴۹۵ این قانون اشعار می‌دارد: «هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می‌دهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد ضامن دیه است...» و در رابطه با ترک فعل ماده ۲۹۵ همین قانون مقرر داشته است: «هرگاه کسی فعلی که انجام آن را برعهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد جنایت حاصل به او مستند می‌شود و حسب مورد عمدی، شبه عمدی، یا خطای محض است مانند اینکه... پزشک یا پرستار وظیفه قانونی خود را ترک کند».

۴-۲. مسئولیت مدنی پزشک

مبنای این پیش‌بینی در ضامن دانستن پزشک قاعده اتلاف است که شهید ثانی و فقهای دیگر در اثبات ضامن پزشک بر آن تأکید می‌کنند و در ماده ۴۹۵ گرچه طیب حاذق باشد در معالجه‌هایی که شخصاً انجام می‌دهد یا دستور آن را صادر می‌کند در صورتی که باعث تلف جان یا نقص عضو یا خسارت مالی شود ضامن است (طاهری ۱۳۸۰ ج ۲: ۴۰۲). مفهوم مخالف آن این است که اگر باعث نشود ضامن نیست، اطلاق ماده فوق مشعر بر این نکته است که پزشک مطلقاً ضامن است هر چند که احتیاط‌های لازم را بکند و در کارش خبره و متخصص باشد و همچنین قبل از معالجه و درمان از بیمار اخذ اذن نماید. در واقع باید گفت که حداقت، تخصص و توانایی پزشکی و اخذ رضایت از بیمار در مسئولیت مدنی پزشکی که اقدامات درمانی وی مثمر ثمر واقع نشده و منتهی به ورود خسارتی اعم از جانی و مالی به بیمار گردیده است هیچ تأثیری ندارد و تنها فایده اخذ اجازه از بیمار است که اگر امر معالجه و درمان منجر به تلف جان یا نقص عضو بیمار شود پزشک را از انتصاب جرم و مسئولیت بری می‌سازد.

هرچند که عمل او از دیدگاه حقوق کیفری شبیه به عمد است لیکن مسئولیت مدنی وی کماکان به قوت خود باقی است لذا با استناد به ماده فوق همین که طیب شروع به معالجه می نماید مسئول تمام خساراتی خواهد بود که مع الواسطه یا بلا واسطه ایجاد کند (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷: ۴۰۸). در مقابل برخی معتقدند که در اینجا باید قائل به عدم ضمان شد خواه پزشک براءت اخذ نموده باشد خواه نگرفته باشد؛ زیرا او محسن است و این معنی رافع مسئولیت کیفری و مدنی است و اصل براءت ذمه اوست.

نتیجه گیری

در صورتی که فردی به قصد نیکوکاری و به منظور دفع ضرر و جلب منفعت از دیگران، اقداماتی را مرتکب شود که به لحاظ عرفی ممدوح باشد و بدون هیچ گونه تقصیری همین اقدام موجب ورود ضرر و خسارت به دیگران گردد فاعل فعل احسانی مسئول پرداخت خسارت و غرامت وارده نخواهد بود؛ بنابراین احسان دارای مفهوم گسترده ای بوده که هم در بردارنده مفهوم دفع ضرر از خود و دیگران است و هم جلب منفعت برای آنان.

مستندات قاعده احسان در فقه امامیه هم چون دیگر قواعد فقهی «کتاب، سنت، اجماع و عقل» است. فقها برای اثبات این قاعده به آیات شریفه قرآنی «ما عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ» و «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» استناد کرده و این گونه استدلال نموده اند که هرگونه مؤاخذه اعم از مجازات و ضمان مالی نسبت به شخص محسن نفی شده است. همچنین در متن حاضر روشن گردید در هر جایی که عنوان محسن صدق کند احسان بر قواعد و ادله ضمان مانند اتلاف، تسبیب و ضمان ید حکومت دارد؛ زیرا آیات شریفه فوق عام بوده و بیانگر یک حکم عقلی است که قابل تخصیص نیست؛ اما با توجه به عنوان پژوهش سعی بر آن داشتیم که نصوص قانونی و فقهی ای را که متأثر در سقوط مسئولیت از قاعده احسان است با توجه به ویژگی و ماهیت این قاعده استخراج کرده و تا حدودی به این مهم دست یافتیم که مطابق قاعده احسان، محسن برای رفع ضرر از دیگری اگر مرتکب تقصیر نشده باشد مسئول جبران خسارت وارده نیست و در موردی که شخص برای رفع ضرر از خود اقدام کرده و به موجب آن زیانی به دیگری وارد شده است از این حیث محسن تلقی می شود و قاعده احسان در اینجا موجب می شود که مبنای محاسبه خسارت تغییر یابد

و خسارت بر مبنای مسئولیت مدنی جبران نشود بلکه قواعدی مانند «استفاده بدون جهت» جایگزین قواعد مسئولیت مدنی گردد، در واقع اگر محسن خسارتی برای دفع ضرر از غیر بر خود وارد کرد می‌تواند آن را از منتفع درخواست کند که در اینجا احسان نسبت به شخص مثبت ضمان است. رابطه قاعده احسان را با قواعد فقهی و حقوقی چون اتلاف، تسبیب، اضطرار، دفاع مشروع، لقطه و مجهول‌المالک و اداره مال غیر به صورت کامل توضیح دادیم. در خصوص مسئولیت مدنی و کیفری پزشک نیز قانون گذار در ماده ۴۹۵ قانون مجازات اسلامی به شرح کامل این مسئولیت پرداخته و بیان داشته چنانچه پزشک موجب فوت یا صدمه جسمی گردد ضامن خواهد بود؛ اما اگر مرتکب تقصیر و بی‌مبالاتی نشود و مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی یا قبل از معالجه اخذ براءت از بیمار بگیرد محسن است و باید حکم به عدم مسئولیت او داد مگر آنکه عمل او از دایره شمول احسان خارج شود؛ یعنی پزشک مرتکب تقصیر شده باشد یا هدف از انجام پزشکی مداوا و درمان نبوده و یا اینکه پزشک با دریافت اجرت فراوان به نوعی تعهد به نتیجه کرده باشد.

منابع

- آموزگار، مرتضی. (۱۳۸۵) **تعقیب کیفری و انتظامی پزشک مقصر**، تهران: انتشارات مجلد، چاپ اول.
- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۵) **صحیفه امام (دوره ۲۲ جلدی)**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ چهارم.
- امی، احمد. (۱۳۹۵) **ماهیت انتقال خون در نظام حقوقی ایران**، رساله دکتری تخصصی، تهران: دانشگاه خوارزمی.
- حسینی مراغی، احمد. (۱۴۲۵ق) **تفسیر المراغی**، لبنان: دارالفکر.
- حکمت نیا، محمود و مسعود فیاضی. (۱۳۹۴) «احسان به جمع (احسان جمعی) و نقش آن در مسئولیت مدنی»، **مطالعات اسلامی: فقه و اصول**، شماره ۱۰۱، صص ۹۹-۱۱۵.
- داراب پور، مهرباب. (۱۳۸۷) **مسئولیت‌های خارج از قرار داد**، تهران: انتشارات مجلد، چاپ اول.
- دشتی، محمد. (۱۳۸۷) **ترجمه نهج البلاغه حضرت امیر المؤمنین (ع)**، قم: نشر الهادی،

- چاپ سی و دوم.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳) **لغت نامه دهخدا**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
- راغب اصفهانی، حسین. (۱۳۹۹) **فرهنگ قرآنی راغب**، تهران: نشر تافته، چاپ اول.
- سعدی، حسین علی. (۱۳۹۰) «تحلیل مسئولیت پزشکی در قبال خسارات غیر عمدی در پرتو قاعده احسان»، **مجله علمی - پژوهشی فقه پزشکی**، شماره ۷-۸، صص ۴۱-۷۱.
- شریعتی، روح الله. (۱۳۸۷) **قواعد فقه سیاسی**، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
- صابونی، محمد حسن. (۱۳۹۸) **صفوة النفاسیر**، قم: مکتبه البشری، چاپ اول.
- صالحیان بهروز. (۱۳۸۸) **جایگاه احسان در قلمرو حقوق مدنی**، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شیراز.
- طاهری، حبیب الله. (۱۳۸۰) **حقوق مدنی (۳ و ۴)**، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
- فیض نسب، علیرضا. (۱۳۷۸) **مبادی فقه و اصول**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهاردهم.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷) **قانون مدنی در نظم حقوق کنونی**، تهران: میزان، چاپ هجدهم.
- گرجی، ابوالقاسم. (۱۳۸۷) **مبانی حقوق اسلامی**، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.
- گلدوزیان، ایرج. (۱۳۷۶) **حقوق جزای عمومی**، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.
- محقق داماد، مصطفی. (۱۳۸۷) **قواعد فقه (بخش مدنی)**، تهران: انتشارات سمت، چاپ هشتم.
- معین، محمد. (۱۳۸۶) **فرهنگ معین**، تهران: نشر زرین، چاپ سوم.
- منتظری، حسین. (۱۳۸۵) **احکام پزشکی**، تهران: نشر نی، چاپ سوم.
- موسوی بجنوردی، محمد. (الف ۱۳۸۷) **اندیشه‌های حقوقی (۲) حقوق مدنی و کیفری**، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.
- _____ (ب ۱۳۸۷) **قواعد فقهیه**، تهران: انتشارات مجد، چاپ دوم.
- _____ (۱۳۷۲) «مسئولیت مدنی و کیفری پزشک»، **مجله حقوقی دادگستری**، دوره ۵۷، شماره ۹، صص ۳۹-۴۴.

- نجفی، موسی. (۱۳۷۵) *تأملات سیاسی در تفکر اسلامی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، چاپ اول.
- ولایی، عیسی. (۱۳۸۷) *قواعد فقهی*، قم: انتشارات دارالفکر، چاپ اول.
- Amoozgar, Morteza. (2006) *criminal and police investigation of the guilty doctor*, Tehran: Majd Publications, first edition. (In Persian)
- Amy, Ahmed. (2016) *The Nature of Blood Transfusion in Iran's Legal System*, Doctoral Dissertation, Tehran: Khwarazmi University. (In Persian)
- Darabpour, Mehrab. (2008) *Responsibilities outside the contract*, Tehran: Majd Publications, first edition. (In Persian)
- Dashti, Mohammad. (2008) *Translation of Nahj al-Balagha by Hazrat Amir al-Momenin (AS)*, Qom: Al-Hadi Publishing House, 32nd edition. (In Persian)
- Dehkhoda, Ali Akbar. (1994) *Dehkhoda dictionary*, Tehran: Tehran University Press, fifth edition, eleventh volume. (In Persian)
- Faiz, Alireza. (1999) *Fundamentals of jurisprudence and principles*, Tehran: Tehran University Press, 9th edition. (In Persian)
- Gorji, Abolqasem. (2008) *Fundamentals of Islamic Law*, Tehran: Majd Publications, first edition. (In Persian)
- Goldouzian, Iraj. (1997) *Public Criminal Law*, Tehran: Majd Publications, first edition, first volume. (In Persian)
- Hikmat Nia, Mahmoud and Masoud Fayazi. (2014) "Ehsan Be Jami (collective kindness) and its role in civil responsibility", *Islamic Studies: Jurisprudence and Principles*, No. 101, pp. 115-99. (In Persian)
- Hosseini Maraghi, Ahmad. (2004) *Tafsir al-Maraghi*, Lebanon: Dar al-Fikr, volume nine. (In Persian)
- Katouzian, Nasser. (2008) *Civil law in the current legal system*, Tehran: Mizan, 18th edition. (In Persian)

-
- Khomeini, Seyyed Ruhollah. (2006) *Collection of Imam Works* (22-volume series), Tehran: Imam Khomeini Publishing House, 4th edition. (In Persian)
 - Mohaghegh Damad, Mustafa. (2007) *Jurisprudence Rules (Civil Section)*, Tehran: Samit Publications, 8th edition, 2nd volume. (In Persian)
 - Moin, Mohammad. (2007) *Farhang Moin*, Tehran: Zarin Publishing House, third edition. (In Persian)
 - Montazeri, Hossein. (2006) *Medical Laws*, Tehran: Sayeh Publishing House, third edition. (In Persian)
 - Mousavi Bujnordi, Mohammad. (2008) *Jurisprudence Rules*, Tehran: Majd Publications, second edition, first volume. (In Persian)
 - Mousavi Bujnordi, Mohammad. (2008) *Legal Thoughts (2) Civil and Criminal Laws*, Tehran: Majd Publications, first edition. (In Persian)
 - Mousavi Bujnvardi, Mohammad. (2012) "Civil and criminal liability of the doctor", *Judiciary Legal Journal*, No. 9, pp. 39-44. (In Persian)
 - Najafi, Musa. (1996) *Political Reflections in Islamic Thought*, Tehran: Humanities Research Institute, first edition, second volume. (In Persian)
 - Ragheb Esfahani, Hossein. (2020) *Ragheb's Qur'anic Culture*, Tehran: Tafeg Publishing House, first edition. (In Persian)
 - Saadi, Hossein Ali. (2018) "Analysis of the doctor's responsibility for unintentional damages in the light of the rule of beneficence", *Scientific-Research Journal of Medical Jurisprudence*, No. 7-8, pp. 41-71. (In Persian)
 - Sabouni, Mohammad Hassan. (2018) *Safwa al-Tafaseer*, Qom: Maktaba al-Bashri, first edition, third volume. (In Persian)
 - Salehian, Behrouz. (2008) *The position of Ehsan in the realm of civil rights*, master's thesis, Tehran: Shiraz University. (In Persian)
 - Shariati, Ruhollah. (2008) *Rules of Political Jurisprudence*, Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture, second edition. (In Persian)

Persian)

- Taheri, Habibullah. (2001) *Civil Rights* (3 and 4), Tehran: Islamic Publications Office, Volume II. (In Persian)
- Walai, Isa. (2008) *Juqe'a Faghi*, Qom: Dar al-Fakr Publications, first edition. (In Persian)